

کتاب دانیال - شماره هجدهم

ساعت

Jeff Pippenger

2023-12-13

الهام به وضوح نشان می‌دهد که باب سوم دانیال نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است. در اشعیا باب بیست و سوم، روسپی صور که با پادشاهان زمین زنا می‌کند، همان روسپی مکاشفه است که با پادشاهان زمین زنا می‌کند. در مکاشفه باب هفده، بر پیشانی آن روسپی نوشته شده است: «بابل عظیم».

و آن زن جامه‌ای ارغوانی و سرخ بر تن داشت و به طلا و سنگ‌های گران‌بها و مرواریدها آراسته بود؛ در دست خود جامی زرین داشت که پر از رجاسات و پلیدی‌های فحش‌آلود بود؛ و بر پیشانی‌اش نامی نوشته شده بود: راز، بابل عظیم، مادر فاحشه‌ها و رجاسات زمین. مکاشفه 17:4، 5

پیش از سال ۱۹۵۰، واژه‌نامه‌های انگلیسی به درستی زنی را که در این دو آیه به تصویر کشیده شده است، کلیسای کاتولیک رومی معرفی می‌کردند. تمام جهان پس از قرون تاریک آزار و اذیت‌های کاتولیکی که از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ انجام گرفت، می‌دانست که کلیسای رومی همان فاحشه‌ای است که با پادشاهان زمین زنا می‌کند. اعلامیه استقلال برای رد سلطه کاتولیسیسم و نیز سلطه پادشاهان زمینی که با آن فاحشه روابط نامقدس برقرار کرده بودند، تدوین شده بود. اشعیا، باب بیست و سوم، تصریح می‌کند که آن فاحشه فراموش خواهد شد. هرگز در هیچ یک از موتورهای جست‌وجوی مدرن نخواهید یافت که فاحشه مکاشفه باب هفدهم به عنوان کلیسای کاتولیک تعریف شود، زیرا کلام خدا هرگز باطل نمی‌شود و کلام خدا بیان می‌کند که او فراموش خواهد شد.

و در آن روز واقع خواهد شد که صور به مدت هفتاد سال، مطابق روزهای عمر یک پادشاه، فراموش خواهد شد؛ و پس از پایان هفتاد سال، صور چون فاحشه‌ای آواز خواهد خواند. چنگی برگیر، در شهر بگرد، ای فاحشه‌ای که از یاد رفته‌ای؛ نغمه‌ای شیرین بنواز، سرودهای بسیار بخوان تا به یاد آورده شوی. و پس از پایان هفتاد سال، چنین خواهد شد که خداوند به صور تفرق خواهد کرد، و او به مزد خود بازخواهد گشت و با همه پادشاهی‌های جهان بر روی زمین زنا خواهد کرد. و متاعش و مزدش برای خداوند مقدس خواهد بود؛ نه اندوخته خواهد شد و نه ذخیره، زیرا متاع او از آن کسانی خواهد بود که در حضور خداوند ساکن‌اند، تا به قدر کفایت بخورند و جامه‌ای بادوام داشته باشند. اشعیا 15:23-18.

کلام خدا هرگز باطل نمی‌شود، و از سال ۱۷۹۸ زن بدکار به فراموشی سپرده شده است، اما در ایام آخر به یاد آورده خواهد شد. او زمانی به یاد آورده می‌شود که سبت روز هفتم خدا مورد حمله قرار می‌گیرد، و آن همان تنها فرمان از میان ده فرمان است که همواره باید به یاد سپرده می‌شد. او هنگامی که چنگش را برمی‌گیرد، در شهر می‌گردد و نغمه‌های شیرین و سرودهای بسیار سر می‌دهد، به یاد آورده می‌شود. او در پایان هفتاد سال، که روزهای یک پادشاه است، سرودهایش را می‌خواند. پادشاه، مطابق باب دوم دانیال، یک پادشاهی است.

و هر جا که بنی‌آدم ساکنند، وحوش صحرا و مرغان آسمان را او به دست تو سپرده و تو را بر همه ایشان مسلط گردانیده است. تو این سر زرین هستی. دانیال ۲:۳۸.

«سر» یا «پادشاه»، هر دو نماد یک پادشاهی‌اند. پادشاهی‌ای که با «روزهای یک پادشاه» نشان داده می‌شود، ایالات متحده است. ایالات متحده حکمرانی نبوتی خود را به عنوان «وحش زمین» هنگامی آغاز کرد که در سال ۱۷۹۸ زخم مهلکی بر فاحشه بابل وارد آمد. ایالات متحده تا قانون یکشنبه به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس باقی می‌ماند. آن پادشاهی واقعی نبوت کتاب مقدس که واقعاً هفتاد سال حکومت کرد، بابل بود.

اینک، می‌گوید خداوند، من همه خاندان‌های شمال را و نیوکدنصر پادشاه بابل، بنده‌ام، می‌فرستم و بر این زمین و بر ساکنان آن و بر تمامی این قوم‌های پیرامون می‌آورم، و ایشان را به کلی نابود می‌سازم و آنان را مایه حیرت و سوت‌زنی و ویرانی‌های دائمی می‌گردانم. نیز از ایشان صدای شادی و صدای خوشی، صدای داماد و صدای عروس، آواز سنگ‌های آسیاب و نور چراغ را بازخواهم گرفت. و این تمام زمین به ویرانی و حیرت بدل خواهد شد؛ و این قوم‌ها هفتاد سال به پادشاه بابل خدمت خواهند کرد. و چون هفتاد سال به انجام رسد، پادشاه بابل و آن قوم را، می‌گوید خداوند، به سبب گناهشان، و نیز سرزمین کلدانیان را کیفر خواهم داد و آن را به ویرانی‌های دائمی مبدل خواهم ساخت. ارمیا ۹:۲۵-۱۲.

بابل حقیقی به مدت هفتاد سال حکومت کرد و نماد پادشاهی ایام آخر بود که به مدت هفتاد سال نمادین سلطنت خواهد کرد. نیوکدنصر، پادشاه بابل، سه بار به یهودا حمله کرد. نخستین حمله علیه یهوایقیم بود و از همان هنگام هفتاد سال پیشگویی ارمیا آغاز شد. این دوره با مرگ بلشصر پایان یافت، زمانی که خدا «پادشاه بابل» را مجازات کرد، همان‌گونه که در آغاز آن هفتاد سال پادشاه یهوایقیم را مجازات کرده بود. پادشاهی‌ای که در نبوت با تعبیر «روزهای یک پادشاه» (یک پادشاهی)، یعنی «هفتاد سال»، معرفی شده بود، بابل بود؛ و پادشاهی ذکرشده در پیشگویی کتاب مقدس که در زمانی که فاحشه صور فراموش می‌شود، برای هفتاد سال نمادین حکومت می‌کند، همان وحش زمین در باب سیزدهم مکاشفه است. گذار از پادشاهی پنجم به ششم در پیشگویی کتاب مقدس در سال ۱۷۹۸، بخشی از حقیقتی است که یوحنا در باب سیزدهم مکاشفه به تصویر می‌کشد.

و بر شن‌های دریا ایستادم و دیدم جانوری از دریا برمی‌آمد که هفت سر و ده شاخ داشت، و بر شاخ‌هایش ده تاج بود، و بر سرهایش نامی کفرآمیز بود... و جانور دیگری دیدم که از زمین برمی‌آمد؛ دو شاخ همچون بره داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت. مکاشفه ۱:۱۳، ۱۱.

ساحل دریا که یوحنا در فصل سیزدهم کتاب مکاشفه بر آن ایستاده بود، نمایانگر سال ۱۷۹۸ است.

"در زمانی که پایت، که قدرتش از او ربوده شده بود، ناگزیر شد از جفا دست بردارد، یوحنا دید که قدرتی نو سر برمی‌آمد تا پژواک صدای اژدها باشد و همان کار بی‌رحمانه و کفرآمیز را پیش ببرد. این قدرت، آخرین قدرتی که قرار است با کلیسا و شریعت خدا به جنگ برخیزد، به صورت حیوانی با شاخ‌های بره‌گونه نمایانده شده است. وحش پیش از آن از دریا برخاسته بودند؛ اما این یکی از زمین برآمد، که نمایانگر خیزش مسالمت‌آمیز ملتی بود که نماد آن بود — ایالات متحده." نشانه‌های زمان، ۸ فوریه ۱۹۱۰.

وحش برخاسته از دریا به وسیله شن‌های دریا از وحش برخاسته از زمین جدا شده بود. پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس در سال ۱۷۹۸ (ساحل دریا) نمایانگر تاریخ گذشته بود و پادشاهی ششم بیانگر تاریخ آینده بود. پیروان میلر این حقیقت را درنیافتند. به ویلیام میلر بصیرتی درباره قدرت اژدهایی بت‌پرستی و رابطه آن با پادشاهی بعدی که به عنوان وحش کاتولیسیسم نمایانده شده بود، داده شد. باب سیزدهم مکاشفه، داستان نبی کاذب را می‌گشاید؛ همان سومی از سه قدرتی که جهان را به آرماگدون می‌کشانند. این داستان بر ساحل دریا در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود.

ایالات متحده تاریخ خود را با نماد بره آغاز می‌کند، اما تاریخش را در حالی که چون اژدها سخن می‌گوید، به پایان می‌رساند. تاریخ هفتاد سال نمادین سلطنت وحش زمین در یک آیه، در باب سیزدهم مکاشفه، بیان شده است؛ زیرا آن آیه آغاز و پایان وحش زمین را در همان جمله مشخص می‌کند.

و دیدم وحش دیگری که از زمین برمی‌آمد؛ و دو شاخ مانند بره داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت. مکاشفه ۱۱:۱۳.

هنگامی که ایالات متحده چون اژدها سخن می‌گوید، قانون یکشنبه را تصویب می‌کند. پیش از آنکه به تحمیل عبادت یکشنبه دست یابد، کلیسای مرتد پروتستان گرد هم می‌آیند و در حالی که صورت وحش را شکل می‌دهند، کنترل سیاسی حکومت مرتد را به دست می‌گیرند. هنگامی که الهام (و این را بارها انجام می‌دهد) مشخص می‌سازد که مراسم افتتاح تمثال طلایی نیوکدنصر نمایانگر قانون یکشنبه است، این امر پایان هفتاد سال نمادین وحش زمین را نشان می‌دهد. فصول یک تا سه دانیال نمایانگر پیام‌های سه فرشته در فصل چهاردهم مکاشفه‌اند. فرشته سوم در هنگام قانون یکشنبه به حقیقتی زنده تبدیل می‌شود.

از نظر نبوی، فصل‌های یک تا سه کتاب دانیال، نمایانگر هفتاد سال نمادین وحش برخاسته از زمین در مکاشفه ۱۳ هستند. آزمون خوراکی مطرح‌شده در فصل اول و نمادگرایی یهوایقیم نشان می‌دهند که فصل اول، از نظر نبوی، با قدرت‌یافتن فرشته اول آغاز می‌شود؛ یا در 11 اوت 1840، یا در 11 سپتامبر 2001، در تاریخ فرشته سوم.

بابل همان امتی است که هفتاد سال حکومت کرد، و آن سال‌ها نمایانگر تاریخ ایالات متحده‌اند. هفتاد سال بابل تا مدت‌ها پس از مراسم تقدیس تندیس زرین نیوکدنصر به پایان نرسید، اما از نظر نبوی، هفتاد سال نمادینی که اشعیا در فصل بیست‌وسوم به کار می‌برد، در فصل سوم کتاب دانیال پایان می‌یابد. وقتی ارکستر نیوکدنصر برای مراسم تقدیس موسیقی می‌نوازد، نشان وحش اعمال می‌شود و در آن زمان فاحشه صور و بابل آغاز می‌کند به خواندن سرودهای خود برای پادشاهان زمین، در حالی که اسرائیل مرتد سجده می‌کند و می‌رقصد.

نیوکدنصر پادشاه تمثالی زرین ساخت که بلندی‌اش شصت ذراع و پهنایش شش ذراع بود؛ آن را در دشت دورا در ولایت بابل برپا کرد. سپس نیوکدنصر پادشاه فرستاد تا امیران و حاکمان و سرداران و قاضیان و خزانه‌داران و مشاوران و شهربانان و همه فرمانروایان ولایت‌ها را گرد آورد تا برای مراسم تقدیس تمثالی که نیوکدنصر پادشاه برپا کرده بود بیایند. پس امیران و حاکمان و سرداران و قاضیان و خزانه‌داران و مشاوران و شهربانان و همه فرمانروایان ولایت‌ها برای تقدیس تمثالی که نیوکدنصر پادشاه برپا کرده بود گرد آمدند و در برابر تمثالی که نیوکدنصر برپا کرده بود ایستادند. آنگاه منادی با آواز بلند ندا داد: ای مردمان و قوم‌ها و زبان‌ها، به شما فرمان داده می‌شود که هرگاه آواز شیپور و فلوت و چنگ و سک‌بوت و سالتری و دالسیمر و هر گونه موسیقی را بشنوید، به خاک بیفتید و تمثال زرینی را که نیوکدنصر پادشاه برپا کرده است پرستش کنید؛ و هر که به خاک نیفتد و پرستش نکند، همان ساعت به میان کوره آتش فروزان افکنده خواهد شد. از این‌رو در همان هنگام، چون مردم آواز شیپور و فلوت و چنگ و سک‌بوت و سالتری و هر گونه موسیقی را شنیدند، همه مردم و قوم‌ها و زبان‌ها به خاک افتادند و تمثال زرینی را که نیوکدنصر پادشاه برپا کرده بود پرستش کردند. دانیال ۱:۳-۷

در آن «زمان»، یا در همان «ساعت» که همان قانون یکشنبه در ایالات متحده است، هر کس از پرستش تمثال زرین سر باز زند، «به میان کوره آتش سوزان افکنده خواهد شد.» تنها کتابی در عهد عتیق که واژه ترجمه‌شده به «ساعت» در آن آمده، کتاب دانیال است. واژه «ساعت» در فصل سوم،

نمایانگر فرارسیدن نشانه وحش است. واژه «ساعت» همچنین در فصل چهارم نمایانگر پیام فرشته نخستین است، زیرا در آنجا نماد هشدار به نبوکدنصر درباره فرارسیدن «ساعت» داورى خداست.

آنگاه دانیال، که نام او بلتیشصر بود، ساعتی مبهوت ماند و اندیشه‌هایش او را پریشان ساخت. پادشاه گفت: «ای بلتیشصر، مباد که خواب یا تعبیرش تو را پریشان سازد.» بلتیشصر پاسخ داد و گفت: «ای سرورم، کاش این خواب نصیب آنان شود که از تو نفرت دارند و تعبیرش از آن دشمنانت باشد.» دانیال ۴:۱۹

دانیال هشدار مربوط به فرارسیدن ساعت داورى خدا بر او را به نبوکدنصر ابلاغ کرد؛ هشدارى که نبوکدنصر بعداً آن را رد کرد. واژه‌ی "ساعت" در فصل چهارم، هنگامی که در همان فصل دوباره به کار می‌رود، نمایانگر "ساعتی" است که داورى فرا رسید. در تاریخ میلری، نخستین "ساعت" در فصل چهارم نمایانگر آمدن فرشته اول در سال ۱۷۹۸ است. آن پیام زمانی تحقق یافت که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ داورى تحقیقی آغاز شد. "ساعت" در فصل چهارم نخست نمادی از پیامی درباره داورى قریب‌الوقوع است و سپس به‌عنوان نمادی به کار می‌رود که داورى فرارسیده است. نخستین کاربرد واژه "ساعت" نمایانگر سال ۱۷۹۸ و آمدن فرشته اول است، و کاربرد دوم نمایانگر ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و آمدن فرشته سوم.

در همان ساعت، این حکم بر نبوکدنصر تحقق یافت: از میان مردم رانده شد و مانند گاو علف می‌خورد و بدنش از شبنم آسمان تر شد، تا آنکه موهایش چون پرهای عقاب بلند شد و ناخن‌هایش مانند چنگال پرندگان گردید. دانیال ۴:۳۳

«ساعت» در باب چهارم، بنابراین، نمادی از سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ است که نقاط پایان دو لعنت «هفت بار» علیه پادشاهی‌های شمالی (آغاز در ۷۲۳ ق.م.) و جنوبی (آغاز در ۶۷۷ ق.م.) اسرائیل‌اند. این دو لعنت، که ۲۵۲۰ سال پراکندگی و بردگی را نمایندگی می‌کنند، بیانگر اجرای نخستین و واپسین غضب خدا علیه قوم از ایمان برگشته او هستند. هر دو با داورى خدا آغاز شدند و پایان‌هایشان به‌نوبه خود نمایانگر پیام هشدار درباره نزدیک بودن داورى تحقیقی خدا، یا فرارسیدن داورى تحقیقی است. هر دو داورى‌ای که پایان دو داورى «هفت بار» به آنها اشاره دارد، در باب چهارم دانیال با واژه «ساعت» بیان شده‌اند.

در تاریخ میلریتی، «ساعت» نخست نمایانگر آغاز جنبش در وقت آخر در سال ۱۷۹۸ است، هنگامی که فرشته اول آمد، و «ساعت» دوم در فصل چهارم نمایانگر پایان جنبش است، زمانی که فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آمد. جنبش میلریتی فرشته اول در جنبش فرشته سوم تکرار می‌شود، از این‌رو دو کاربرد «ساعت» در فصل چهارم، هم وقت آخر در ۱۹۸۹ را مشخص می‌کنند و هم قانون یکشنبه‌ای را که به‌زودی فرا می‌رسد. جنبش میلریتی فرشته اول آغاز داورى تحقیقی را اعلام کرد، و جنبش فرشته سوم آغاز داورى اجرایی خدا را اعلام می‌کند؛ داورى‌ای که تدریجی است، با قانون یکشنبه آغاز می‌شود و تا بازگشت دوم مسیح ادامه یافته و شدت می‌گیرد.

مطالعه خود از باب سوم کتاب دانیال را ادامه خواهیم داد و بررسی خود درباره واژه «ساعت» را در مقاله بعدی به پایان خواهیم رساند.

اینک، من شما را چون گوسفندان در میان گرگان می‌فرستم؛ پس همچون ماران خردمند و همچون کبوتران بی‌آزار باشید. اما از مردم برحذر باشید، زیرا شما را به محاکم خواهند سپرد و در کنیسه‌های خود شما را تازیانه خواهند زد؛ و به خاطر من، شما را به حضور حاکمان و پادشاهان خواهند برد تا شهادتی بر ضد آنان و غیریهودیان باشد. اما چون شما را تسلیم کنند، نگران نباشید که چگونه یا چه بگویید؛ زیرا در همان ساعت آنچه باید بگویید به شما داده خواهد شد. زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شماست که در شما سخن می‌گوید. و برادر، برادر را به مرگ تسلیم خواهد کرد، و پدر فرزند را؛ و فرزندان بر والدین خود برخوانند خاست و سبب خواهند شد که

ایشان را به مرگ بسپارند. و به خاطر نام من، همه از شما نفرت خواهند داشت؛ اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت. اما چون شما را در این شهر آزار دهند، به شهر دیگر بگریزید؛ زیرا به راستی به شما می‌گویم، پیش از آنکه پسر انسان بیاید، همه شهرهای اسرائیل را نگشته‌اید. شاگرد از استاد خود برتر نیست، و بنده از سرور خود برتر نمی‌باشد. برای شاگرد کافی است که چون استاد خود باشد، و برای بنده که چون سرور خود باشد. اگر صاحب‌خانه را بعلزبول نامیده‌اند، چه رسد به اهل خانه‌اش! پس از ایشان مترسید، زیرا چیزی پوشیده نیست که آشکار نشود و چیزی نهان که دانسته نگردد. آنچه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنایی بگویید؛ و آنچه در گوش می‌شنوید، بر بام‌ها اعلام کنید. و از کسانی که بدن را می‌کشند ولی توان کشتن جان را ندارند، مترسید؛ بلکه از او بترسید که قادر است هم جان و هم بدن را در جهنم نابود کند. متی 10:16-28.